

# آچخوړه

حوانان په لوسر سنايلونو ګرځي  
د کنافاتو سنايل سرک کې خوند کونته  
شين . نون

۱۳۹۴ شمسی

جدی

مرغومي

سال سوم

شماره مسلسل ۳۵

۱۱

## د خندا ټريغه

شکريه نديم خروتني

خيالي روغتون کي بستري شه  
چي ستا د خيال ياران پوبنتني ته درخينه



دا د نانځکو پادشاهي کي  
په ولچر ناست دی حکومت راته کوينه



د کوم مظلوم آه ورپسي شو  
لوره څوکي یې په ولچر بدله کرينه



گوته په پوزي راته ناست یې  
ستا خو عادت دی، زموږ زره خولي ته راخينه



د چکستان په سرکونو  
د کنافاتو ديری کور کري مېنه



پلار یې وکيل، مور یې قاضي ده  
زوی بي امتحانه فاکولته کي جذبوينه



د خپل هېواد خدمت ته څه کرم  
ایران هېواد مي د سورېي جنګ ته ليرينه

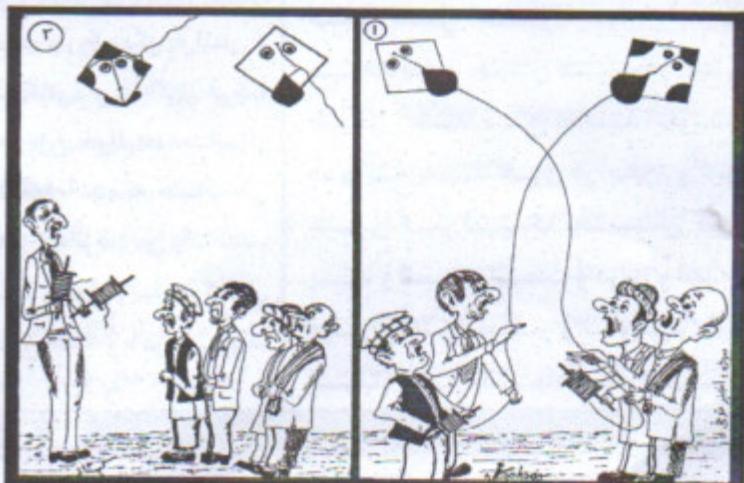
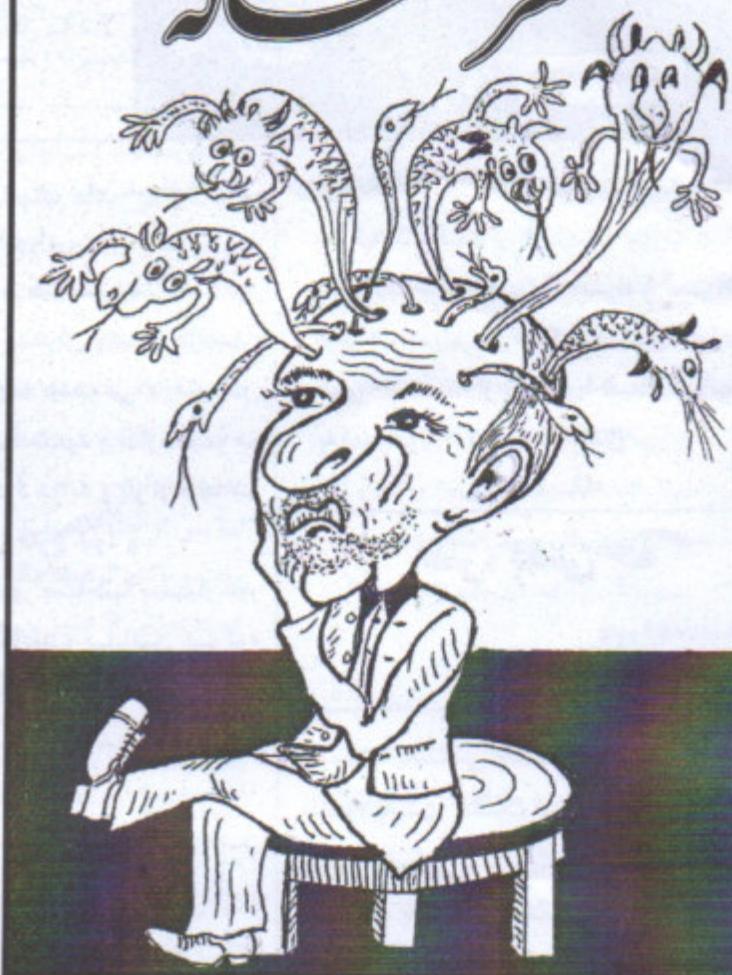


خدایه څه بلا اوښتي  
چي خلک مري په اوږو ګرد ګرځوينه



خلکو خو هره چاره وکره  
په مرو باندي تجارت مي خورينه

## معزمه





## ((تکی هیلی))

پورتنی عنوان د هغه بنکلی اثر نوم دی، چی د ماشومانو لپاره کیسی او تراني لری او لیکواله بی معصومه غرنی ده. د دغه اثر خانگر تیا دا ده، چی هره ترانه او کیسه په یوه بنکلی انخور سره مل دی، او د دی بالرزشته اثر، انخورگر صالح محمد کھسار دی، چی په رفنتیا څو ارجیز هنرمند دی. ګرانو لوستونکو ته خامخا دا پوینته پیدا شوی وي، چی د ګلایو ماشومانو کیسی او تراني ((آچار خربوزه)) سره څه ارتباط لري؟! نېرو قدر منو لوستونکو! صالح محمد کھسار زمونر تکره همکار دی، چی تاسو هرومرو د هغه لیکنی او تصویری طنزونه دلته لوستنی او لیدلی به وي. نوله همدي کبله معصومه غرنی خور او استاد کھسار ته له لوی ځښن نه د لا بریاوو، روختیا، سلامتیا او اورد عمر غونتونکي بوي.

از ديگر داريي های منقول بندې يکي هم ده فيصد ماليه از کريدت کارت های شيطانک های کجراء و بيراهه و ګمراه و نيمراه و بدراه مردم ګوسفندي و «بلی ګوي» است که از جيپ ويا شيطانک آنهما به جيپ ويا «اكونت» ما انتقال می یابد.

پاکستانی و چینايی در برابر مواد اصلی جاپانی، هندی و اروپایی.

نقل به معنی دزدی هم است؛ مثل شاگرد تنبل که مادر ويا پدرش وکيل پارلمان باشد، از روی پارچه همصنفی لايقش نقل می ګند تا اول نمره شود و باز بخير در فاكولته دلخواه خود درايد و باز از آنجا هم با زور و زر و تزویر فارغ شود....

خبرکش: زورخور صاحب! بسيار دور رفتید... لطف بفرمایید و با اين ګوگرد

بویناک چرکستانی بالای داريي های منقول و غيرمنقول تان روشنی بیندازید. زورخور: خود تان که همين راه ساخته نمي توانيد...! راستي معنی ديگر نقل عبارت از حرکت و سير و سفر و چکر است؛ پس به اين حساب، خانتم از جمله داريي های منقول بندې می باشد؛ زира

يکروز به دوبی است و روز دیگر به لندن و هفتنه ديگر به امريكا... و اما «گرل فرند» و «دوست دختر» و «زن خوانده» هایم از داريي های غيرمنقول بندې به حساب می غلتند؛ چرا که هميشه نزدم می باشند... اگر بندې به سفر سرکاري ويا زيرکاري بروم؛ اينها همينجا می باشند و با من نمي روند!

## دارايي های منقول و غيرمنقول خزان

خبرکش: محترم زورخور صاحب! لطف نمایید و درباره داريي های منقول و غيرمنقول تان روشنی بیندازید.

زورخور: دراين بي برقی و برق های ضعيف با قيمت خيلي ګزار، چطوري روشنی بیندازم؟!

خبرکش: صاحب، شما بدون آن هم از جمله کسانی تشریف داريد که پول صرفیه برق را تحويل نکرده اند و نمی ګند و نخواهند کرد. از قيمت ګزار آن چی تشویش می فرمایید؟! و اگر تمام چکستان در تاریکی فرو برود، شما بي برق نمی شوید...!

زورخور: خوب می گنيم... دستت تا واشنگتن دی.سی خلاص...! بیاییم سر اصل سوال تان... واژه «منقول» برس وزن «مقبول» داري چندین معنی است. منقول از نقل گرفته شده است و نقلی ضد اصلی معنی می دهد؛ مانند مواد خوراکی، پوشакی، نوشакی، چوشاكی و دوايی نقلی

## طنز، يعني چه

نصیر احمد نشاط

طنز، يعني ګريه کردن قاه قاه طنز، يعني خنده کردن آه آه طنز، يعني جنگ بي توپ و تفنگ طنز، يک پیکار بي خیل و سپاه طنز، يعني ګلبن باغ و ادب طنز، يعني مشعل شام سیاه طنز، مثل خنجر خونریز نیست تا نماید حال مردم را تباہ طنز، اصلاً می نماید انگولک هر که باشد غرق در جرم و ګناه طنز را ګرنیک تحلیلش کنی پند و اندرز است و درس و انتباہ غیر از این، تعییر و تأویلی ز طنز اشتباہ است، اشتباہ است، اشتباہ

## خبرهای آتشین

میم، توخی

مردم، «تاریک»، «از تو، از من»، «اسهالات» و «غلام» که باغ های نارنجی، سرخ، زرد، سبز و آبی را به مردم نشان داده بودند و به لاف ها و پتاق های که زده بودند؛ نتوانستند «چپن» عمل بپوشانند؛ بنابراین هریک مبلغ (۴۲۰) هزار دالر امرگاهی جایزه گرفتند.

اما کاروان کوفته گان و کارکشته گان مسایل اقتصاد، انگشت رنگ ناخندار و انگشتدار انتقاد را بالای دولت قیل می کنند و نیق می زنند که: «از یکسو حکومت از طریق رسانه ها به مردم پُف می کند تا تمام خورد و بُرد شان را با افغانی گل انجام بدهند و از کنج دیگر، خودش جایزه را با مستر دالر می دهد!!»

## دوبیتی های گندمی

شاد روان محمد امان فارغی

الا گندم که بربانت که کرده  
گرسنه ما و گربانت که کرده  
به روز گشتنگی دل با تو دادم  
زمک ما گریزانت که کرده

★ ★ ★

در ایامی که دهقان کار می کرد  
نه ماشین بُد، نه سیمینار می کرد  
به زور بازوی دهقان غیور  
زراعت حاصل بسیار می کرد

★ ★ ★

سری دارم که سامانی نداره  
غمی دارم که پایانی نداره  
زراعت گشته ماشینی و عصری  
که دسترخوان مانانی نداره

★ ★ ★

بیا گندم، بیا مهمان ما باش  
نمود روی دسترخوان ما باش  
برنج و گوشت از ما می گریزند  
کچالو را بگو جانان ما باش

چتاق: مردمی گل جنگروک  
سرگله خبرها:

- ریس صلح، وزیر جنگ می شود.  
- زندانیان صاحب وظیفه آبرومند شدند.  
- به پنج شرکت «هلو-هلوگانی» جایزه نقدي داده شد.

بدنه خبرها:

-- به فرمایش «جنجال بیشرف» و «شرط حضیض» و «فصلوی پوده» و ... و ... در کنار سایر نصبینگ ها، ریس چتلنوسخانه سوروای مالی صلح، به حیث وزیر جنگ پیشنهاد گردید؛ اما روزی که او برای رأی قپی رفته بود و در تالار پارلمان حملات موہوم از جانب «مخالفان سیاسی» شوهر بی بی گل صورت گرفت؛ جناب نامزد وزیر جنگ، یک پای داشت و سه پای دیگر را قرض سر سود گرفت و فرار کرد.

اما پس از چندی دوباره برای رأی قپی رفت و ناکام گردید؛ مگر با چشم رقی و دیده درایی تا هنوز به صفت شرپرست بر

چوکی جنگ چسبیده است.

این درحالیست که بهترین کدرهای نظامی وطندوست ما به تقاعد اجباری سوق داده شده اند...!

-- پس از رها ساختن و فراردادن زندانی های داخل و خارج کشور، از سوی افراد «ناشناس»، «رحمیم جهانی»، «حیدرسلیم» و «احمدولی»؛ زندانی ها صاحب وظایف آبرومند گردیدند.

خبرانداز آژانس جنگ انداز خبر می دهد که زندانیان مذکور پس از رهایی؛ یکراست رهبری گروهک «فاحش» را به دوش گرفتند تا آتش جنگ در گوشه و کنار جهان شعله ورتر شود.

-- خبرانداز آژانس جنگ انداز خبر داد که شرکت های هلو-هلوگانی «فغان

## خبر هوشپرانک

مسعوده خزان

شمار بیشماری از «مخالفان سیاسی» حکومت وحشت ملی به پروسه صلح پیوستند.

دیشب حوالی ساعت ۲۹ پیش و پس از ظهر، در حالیکه نفر منفی اول مصروف «هیجیگی» کردن درس های دینی نزد «بی بی گل»، نفر منفی دوم مشغول رنگ و روغن سر و روی، نفر منفی سوم در حال پیک جنگی، نفر منفی چهارم مصروف راه بندانک و موتقطارک، نفر منفی پنجم مشغول تماشای تلویزیون های خارجی، نفر منفی ششم مصروف میخ و چکش زدن چوکی ها، نفر منفی هفتم در حال امضا و شست لگانی های خپکی و نفر منفی هشتم مصروف توزیع تخدیرنامه ها به رقصه های اتحاری بودند؛ زنگ «مفت خورک» یکتن از مفتخواران «سوروای جنگ» به صدا درآمد و از تسلیم شدن یک گروب از برادران ناراضی خبر داد.

یکتن از شاهدان عینی و غینی می گوید: «اینبار به ابتکار «ملای لنگ» (نامزد ریس شوروای جنگ)؛ به مخالفان سیاسی شوهر «بی بی گل»، به جای توزیع چین، لنگی، کلاه، پتو و یا چیز دیگر؛ یک - یک دست دریشی لنده با یخن قاق و نکتایی اهدا گردید.»

شخصی که نخواست نامی از او برد؛ شود؛ گفت: «از این ابتکار ملای لنگ؛ دشمنان بین الخللی چکستان خیلی بسیار فراوان زیاد خوش شدند.»

گفته می شود، پول این تحایف از عواید ده فیصد مالیه تلیفون های گمراه، کجراه، نیمراه، بیراه و بدراه پرداخت شده است.

## خيال پا - و

خيال پرداز: انجیر غلام سخن توخي

آورده اند که شبی یک شخص در حال تنگدستی و بی پولی رو به زن خود کرد و گفت: اگر بخواهیم فردا شب پلو بخوریم و فردا یک من برمنج بگیریم، چقدر روغن لازم است؟ زن گفت: دو من روغن.

مرد با تعجب گفت: چطور؟ یک من برمنج، دو من روغن می خورد؟ زن گفت: حالا که خیال پلو می زنیم، حداقل بگذار چربتر بخوریم! همچنان آورده اند که پرنده کوچک تمام روز به طرف آسمان بلند می شد و بالک زنان می گفت: گل بیارید، خشت بیارید... که من در هوا یک لانه برای خود می سازم که هیچ پرنده دیگر نداشته باشد!

زمانی که روز سپری و نزدیک شام می شد، متوجه می گردید که هیچ کاری را انجام نداده است. سپس بالای یک سنگ کلان قرار می گرفت و با خود می گفت: شد، شد، نشد در نوک نولم... و با نول خود به سنگ می زد و می رفت.

وقتیکه هوا تاریکتر می گردید، در بین بوته ها پنهان می برد و فردا باز هم همین عمل او تکرار می شد.

اگنون در کشور ما از این خیال پلوهای چرب و خانه های خیالی و خیال پردازی ها زیاد است: طور مثال چندین نمونه را گزلک می کنیم:

- پروژه های خیالی
- دیموکراسی خیالی
- صادرات خیالی
- اقتصاد خیالی
- پولیس ملی خیالی
- شفاهانه های خیالی
- بازسازی خیالی
- قراردادهای خیالی
- صلح و امنیت خیالی
- مشاورین خیالی
- ملیشیه های خیالی
- استقلال خیالی
- کاریابی برای جوانان خیالی
- جنگ های خیالی
- منع کشت کوکنار خیالی
- محافظین خیالی
- پوهنتون های خیالی

جوکی سواران چرخکی مقامات خیالی همیشه برنامه های کاری شان را با خیال پلوهای چرب و خیال پردازی ها طرح و دیزاین می کنند. به امید خیال پلوهای چربتر و بیشتر شان.

حکومت و حشت ملی بر گردونه «آپوکالیپس» سوار است.

«Apocalypse» کتاب مکاشفه یوحنای آخرین کتاب انجلیل. در این کتاب یک اسب وحشی عجیب هست که هفت سر و ده شاخ دارد و فاحشه بی هولناک که نجاسات زنا را در پیاله بی به دست دارد، بر آن قرار می گیرد. (بینوایان / ویکتور هوگو / جلد دوم، چاپ بیست و دوم، ترجمه حسینقلی مستغان، صفحه ۱۰۹)

## هزیازده، مژدوازده، هژسیزده

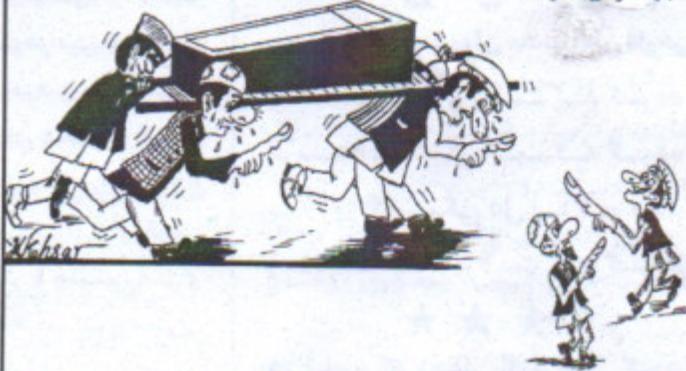
## کھسار

شاروالی کابل به عموم مرده داران شهری، اطرافی، مهاجر، گریزی، دشمندار، فراری، بیکس، پودری، ملنگ و گذا احترامانه می رساند: ازاینکه همه نوع زمین غصب گردیده است و در کشور یک بلست زمین اضافه گی برای دفنیدن مرده ها نداریم... با آن- آن پای و گریه و زاری خود، عین و غین را مجبور ساختیم تا در تالار بزرگ «گب دادن» جلسات جداگانه گرفتند و فیصله به عمل آمد:

- ازاینکه دریای بزرگ نداریم تا مرده ها را برای تقدیم ماهی ها به آنجا دفن نماییم: شاروالی کابل موظف است از بول مرده داران در دریای کابل یخچال های صد منزله اعمار نماید، تا مرده ها در آجای نگهداری شوند. اینکار هم خرما و هم تواب است: زیرا مرده داران محترم از رفتن به قبرها خلاص می شوند و مرده های عزیز شان را در یخچال ملاقات می کنند.

- شاروالی کابل موظف گردید، تا هر چه زودتر حساب های بانکی جدید جیب بُری و جیب بُری را با شماره های (۴۲۰) افغانی و (۱۳۰۰۱۳) دالری باز کند. از همه مردم کاپبول و چکستان تقاضا می شود به حساب های بانکی فوق بول تحويل کنند تا قبرستان یخچالی به زودی اعمار گردد.

- پسپیتی می شود که اعمار چنین قبرستان بی مانند، سبب رشد صنعت توریزم (جهانگردی) شود.



بلبل شاه: او طوطی شاه، چند روز میشه که ای تابوت مرده را از یک جا به جای دیگه می دوان...؟!

طوطی شاه: او بی عقل، تو خبر نداری که همه زمین های سرکاری و زیرکاری، ساحه سبز، ساحه تارنجمی، ساحه ابلق، ساحه سیاه، زمین های زراعتی... و حتی قبرستانی های مردم غصبیده شده راهی است... پس در کدام خاک اوره دفن کن؟!

بلبل شاه: یکتعداد برعی رفتن به سیاره مریخ نام خوده در فهرست شامل کدن... خو اینها هم برون مرده های خوده در اونچه دفن کنن... همه گهه نمی فامن...؟!

## سال تأسیس:

## نشانی:

## ویرایش پشوتو:

## بنیانگذاران:

ملالی متین فشلیار و مسعوده خزان توخي

عقب چک های چاه و سیم های خاردار

شکریه ندیم خروتی

زیر نظر گروه نویسنده گان

ماه حوت ۱۳۹۱ شمسی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

مسعوده خزان توخي

برابر به نیم دانه پوچانه چرکستانی (۵) افغانی

به غیر از گردن مقاله، ملامتی سایر نوشته ها به

شماره ثبت در وزارت اطلاعات و کلتور: ۱۳۹۲ //۶۹

دستکول و خریطه نویسنده گان آن می باشد

آچار خربوزه اعلانات تجاری شما را در بدл پول افغانی می چايد

شماره تماس: ۰۷۶۶۶۷۸۸۹

آچار خربوزه اعلانات تجاری شما را در بدл پول افغانی می چايد

آچار خربوزه را از این محلات می توانید به دست بیاورید:

✓ نماینده گی انجمن نویسنده گان افغانستان، جوار پارک تیمور شاهی

✓ کتابفروشی بیقهی، جوار وزارت اطلاعات و کلتور

✓ کتابفروشی بیقهی، جوار وزارت اطلاعات و کلتور